

برخورد دوگانه و متناقض جامعه جهانی در

مورد تعزیرات

+++++

نویسنده : نعیم سلیمی
کابل / افغانستان

جامعه جهانی و قوانین بین المللی برخاسته از آن چه عجیب مصیبتی است ؛ مثلاً قانون بین المللی تعزیرات را مانند افزار و فنون جنگی به رسمیت شناخته و استفاده از آن را بدست قتال شورای امنیت ملل متحد به مثابه آشیانه ی دیپلوماسی دزدان امپریالیستی جایز می پندار د ؛ آنچه را درینمورد یاد آوری نمودم دقیقاً میان سالهای 1990 تا 2003 در جنگ علیه عراق اتفاق افتاد و درین جنگ جهنمی شورای امنیت با تمام بیشمری و وقاحت تعزیرات کشنده بر علیه ملت و مردم عراق را ، مدیریت نمود که در حقیقت امر نمیتوان آنرا چیز دیگری بیش از یک پالیسی جینوساید و نسل کشی مبتنی بر امحاء تمامی اساسات ساختار زنده گی اجتماعی / اقتصادی عوام الناس این کشور تلقی نمود که از یک تفسیر نادرست، دوگانه و غیر منطقی آن شورا در زمینه ، منشأ می گیرد .

بطور خلاصه باید یاد آور شوم که در نتیجه وضع این تعزیرات در دهه نود ، بیشتر از 500000 (پنج صد هزار) اطفال عراقی بنا بر عدم دسترسی به مواد غذائی مکفی و سوء تغذیه به هلاکت رسیدند ، و در آنزمان خانم مادلین البرایت سفیر و نماینده فوق العاده رئیس جمهور کلینتون که بعداً به سمت وزیر خارجه امریکا ارتقا پیدا نمود طی مصاحبه با یک خبرنگاری بنام لاسلی ستال با طرح سوالی از جانب شخص خود البرایت که « آیا بهای ارزش این کار را داشت » ، با حاضر جوابی گفت که « ... من فکر می کنم که چنین کاری ناشی از یک انتخاب دشوار است ؛ اما راجع به بهای آن ما فکر می کنیم ارزش چنین قیمتی را داشت . » (نعیم سلیمی ، معیار سنجش اخلاقی ارزش در جهان سرمایرداری ، نشریه چاپی سیاسی افغانستان آزاد - آزاد افغانستان ، 2 جنوری 2019)

قبل از اینکه به جزئیات بیشتر بررسی مشارکت جهانی جرمی جینوسایدی جامعه جهانی بپردازم ، لازم میدانم تا ماهیت شرستی جامعه جهانی و قانون بین المللی را که توام با گناه پا به عرصه وجود گذاشته است از زبان برخی از متخصصین و حقوقدانان خود این جامعه توضیح نمایم که برای درک درست مطلب ما را درین راستا یاری مینماید .

فیلیپ آلات ، پروفیسور متقاعد و افتخاری حقوق عامه بین المللی در پوهنتون کامبریج در مورد ریشه شناسی و مصیبت شناسی جامعه جهانی چنین مینویسد : « ما گردهم آمده ایم تا یک سیستم بین المللی را که مابعد جامعه فئودالی بوده و با رنگ عنبرین نگارش یافته است ، داشته باشیم . این خود یک سیستم غیر دموکراتیک و ضد اجتماعی میباشد که در آن دولت ها به اصطلاح " روابط بین المللی " را بنام منفعت ملی از طریق تمرین قدرت به منظور پیاده نمودن سیاست خارجی توسط برگزاری ذرایع دیپلوماسی که در سرگرمی های قرون وسطی آنرا " جنگ " می نامیدند و با تعبیر اسفناک مدرن آمیخته با حسن برداشت امروزی اسم " تشنجات مسلحانه " را به آن گذاشته اند ، پیاده می نمایند . چنین است ماهیت پروسه اجتماعی جامعه بین المللی که در آن از جامعه خبری نیست . » (فیلیپ آلات ، حقوق بین المللی و انقلاب جهانی : آبستن مجدد جهان / 1089 / 10)

توماس مارتین فرانک پروفیسور حقوقدان و متخصص دیگری در مسایل مربوط به حقوق بین المللی نیز در تائید از دیدگاه فیلیپ آلات ، به این باور می باشد که « جامعه عبارت از تجمع و مجمعی است که به مرحله ی انکشاف پیشرفته آن رسیده باشد » (ژورنال شماره 962 اروپایی حقوق بین المللی ، جلد دوم / 2002 / صفحات 961 - 992)

بنا با جمع نمودن این دو دیدگاه به این نتیجه می رسیم که جامعه جهانی نیز مانند جوامع مدنی دستاورد و یا فتوحات مرحله پیشرفته تری از تاریخ یعنی که ساختار سرمایرداری میباشد که علی الرغم پیش قراول بودن آن در دوره بندی های تاریخ بشر از همان آغاز ، نطفه ی آلوده ی معصیت استثمار و بهره کشی انسان از انسان را با خود حمل نموده و مینماید .

تعزیرات در واقعیت امر عبارت است از یک عملیه کشتار دستجمعی و نسل کشی بوده که بیشتر از همه سلاح سلاخی دلخواه امپریالزم ایالات متحده امریکا بر علیه سایر کشور ها ، مردمان و ملت ها میباشد . بطور مثال بعد از بیرون شدن امریکا از معامله هستوی امریکا / ایران (برجام) و با از سر گرفتن تعزیرات در نوامبر سال گذشته ، قصر سفید در ماه اپریل سال جاری اعلان نمود که هدف امریکا عبارت از این است که " صادرات ایران را به نقطه صفری برساند " ؛ همچنان قصر سفید تلویحاً بالای کشور هایی چون هند ، چین ، کوریای جنوبی ، جاپان ، ترکیه فشار وارد نمود تا نفت ایران را وارد نمایند ؛ چنین امری در واقعیت صدور فرمان و دستور بالای کشور های دارای حاکمیت ملی و مستقل می باشد که با کی تجارت و داد و ستد کنند و با کی نکنند . سخن صرفاً درینجا و با دیکته کردن خلاصه نمیشود ، بلکه ایالات متحده امریکا از آنهم کرده فراتر رفته و در ماه دسامبر سال پار مقامات کانادایی را وادار نمود تا یک مقام بلند پایه (رئیس مالی

کمپنی تیلی کام هوای های (Huawei) را بنام مینگ ونژو، توقیف و بازداشت نمایند؛ نامبرده فعلا در کانادا تحت محاکمه بسر میبرد اینکه کمپنی وی از تعزیرات امریکا بر علیه ایران تخطی ورزیده است؛ چگونگی وقوع این ماجرا واقعا دلچسپ است، زیرا برای اینکه امریکا دنیا و مردم چین را متقاعد ساخته باشد که بالای آنها دیکته نمی نماید، کشور ثالث را که کانادا است دخیل میسازد.

یک اقتصاد دان شناخته شده پی بنام مارک وایزبرات در رابطه گذشته های تاریخی تعزیرات امریکا بر علیه ایران در یک نشریه ی بنام Real News Network می نویسد « زمانیکه تعزیرات در 2012 وضع گردید، تولیدات مواد نفتی به 832000 بیرو در روز کاهش یافت و درآمد محصولات خالص به 7.7 درصد رسید؛ و زمانیکه تعزیرات در 2016 حین حصول موافقتنامه برجام برداشته شد، تولیدات مواد نفتی به 972000 بیرو در روز ارتقا نمود و درآمد محصولات خالص 12 درصد ازدیاد را در همان سال، کسب نمود و زمانیکه در 2018 تعزیرات دوباره وضع گردید، محصولات نفتی بطور سرسام آوری دوباره کاهش یافت و انفلاسیون 51 درصد افزایش پیدا نمود. تحقیقات پوهنتون کالیفرنیا در راستای این تعزیرات از کمبود برخی از اقلام ادویه های ضروری در ایران، گواهی می دهد که خود نتیجه و پیامد مستقیم این تعذیرات می باشد.

ادامه دارد